

تبیین تاثیر الگوی کالبدی بافت‌های مسکونی بر تعاملات همسایگی در محلات (مطالعه موردی: شهرک مسکونی نفت، نیوسایت، زیتون کارمندی و کیانپارس در شهر اهواز)

دکتر حامد حیاتی*، مهندس ندا ارزانی بیرگانی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

چکیده

همسایگی و تعامل همسایه‌ها در محله از دیرین یکی از بنیادی‌ترین پندارهای بستر در معماری و شهرسازی بوده است. پرسمانی که ساختار بنیادی این پژوهش را برپا داده است کاستی تعاملات همسایگی و تغییر سبک زندگی و الگوی رفتاری ساکنین در شهرها شده است. هدف از نگارش این پژوهش جستن رابطه بین کالبد یا فرم محله و میزان تعاملات چهره به چهره در محله است. پژوهش موجود از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت و گردآوری داده‌ها توصیفی تحلیلی و از نوع کمی کیفی است که از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است. جمع آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) صورت گرفته است. دستاوردهای کاوش موجود روشنگر آن است که یافته‌های حاصل از پرسشنامه در محلات ویلایی و آپارتمانی تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین در محله‌های ویلایی رابطه چهره به چهره افزایش می‌یابد و برعکس در مناطق آپارتمانی رابطه چهره به چهره کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی

محلات، بافت‌های مسکونی، روابط همسایگی، کلان‌شهر اهواز.

Email: hamed.hayaty@yahoo.com

*استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه قم، قم، ایران. (مسئول مکاتبات)

ORCID: 0000000262490549

Email: neda.arzani.birgani72@gmail.com

**دانشجو دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه اهواز، اهواز، ایران.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های برجسته شهرها در کشورهای در حال پیشرفت این است که میزان شهرنشینی به سرعت و تمایل مردم به زندگی در شهرها به طور فزونی در حال گسترش است (رازقی و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۰) که گسترش شهرنشینی، افزایش تراکم جمعیتی شهرها و تنش‌های ایجاد شده ناشی از آن‌ها، باعث شده است تا فضاهای شهری و شهروندان با مشکلات بسیاری دست به گریبان باشند (بهزاد زاده حقیقی و فنائی، ۱۳۹۹، ۵۲). به روال همدادی که خانه گزیدن در شهرها باعث دگرگونی فراوانی در روابط اجتماعی و زندگی یومیه افراد شده است. این دگرگونی‌های بسط در قلمرو شهری باعث دگرگونی در سبک زندگی و الگوی رفتاری ساکنین مناطق شهرنشین و بویژه شبکه روابط اجتماعی و همسایگی شده است (رازقی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱). واحد همسایگی به عنوان عنصری که ما بین فضای عمومی و فضای خصوصی خانه ارتباط برقرار کرده و خود مکانی نیمه عمومی محسوب می‌شود، یاد کرد. هر انسانی برای زندگی یکسری نیازهایی دارد که به منظور پاسخگویی به آن‌ها فضایی در جامعه وجود دارد، واحد همسایگی نیز به عنوان مکانی برای پاسخ به نیازهای افراد ایجاد شده است. واحد همسایگی صرفاً با گشودگی جلوی درب خانه‌ها ایجاد نمی‌شود بلکه علاوه بر گشودگی باید بستر روابط اجتماعی برای افراد مهیا شود. چرا که این روابط می‌توانند معنی بخش فضای همسایگی باشند و روح و روان شهر را شکل دهند (کریمی، ۱۳۹۳، ۲). روابط همسایگی را می‌توان زیر مجموعه‌ای از روابط اجتماعی که میان دو یا چند خانواده کنار هم ایجاد می‌شود تعریف کرد (عباسی هرفته و همکاران، ۱۳۹۸، ۶) و این روابط بخشی از کیفیت زندگی است که در شرایط پیشامدرن پاسخگوی بسیاری از نیازها بوده است. اکنون نیز اغلب در شهرها و محله‌هایی که روابط همسایگی عمیق و گسترده‌ای دارند، چنین احساسی وجود دارد. اینکه در کنار چه کسانی زندگی کنیم، از نظر اجتماعی و فرهنگی مهم است زیرا بر کیفیت زندگی ما تاثیر می‌گذارد (گلابی و زارع زاده، ۱۳۹۲، ۲۰). می‌توان گفت نهاد همسایگی، پس از نهاد خانواده دومین نهادی است که افراد به واسطه آن، روابط اجتماعی خود را گسترش می‌دهند. برقراری روابط همسایگان با یکدیگر، درون ظرف اجتماعی محله، صورت می‌گیرد و دارای آثار مثبت فراوانی است، وقتی افراد با هم رابطه چهره به چهره داشته باشند، هم دیگر را بهتر خواهند شناخت و هم از زندگی در محله و تعامل با دیگران احساس رضایت خواهند داشت (رستگار و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۷۸). مفهوم محله را می‌توان در تعاریف گوناگونی نشان داد، همانند یک واحد از جغرافیای شهری و یا گروهی از مردم که در یک محیط مشخص و آشنا زندگی می‌کنند (ذوالفقار زاده و

همکاران، ۱۳۹۸، ۳۶). محله جایگاه بسیار مهمی در شهرهای اسلامی داشته و واحدهای منسجم اجتماعی درون مرزهای مشخص شکل گرفته است. زندگی ساکنین در محله و روابط اجتماعی منبعت از آن در گذشته بر مبنای فرهنگ ایرانی اسلامی بوده است (سالاری پور و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۶). تعالیم اسلامی، قرآن و حدیث‌ها ارج بسیاری برای روابط همسایگی دارا شده و بر نکویی و حرمت بر همسایه پیوسته سفارش شده و از مسلمان‌ها خواسته که در روابط با همسایگان خود با سهش رفتار کنند (رازقی و همکاران، ۱۳۹۶، ۵۱). این نهاد در مورد اندیشمندان غربی نیز صادق است و آن‌ها هم به اهمیت واحد های همسایگی و محیط فیزیکی محله پی برده‌اند به طوری که بسیاری از اندیشمندان و معماران مطرح غربی نظریاتی در باب واحد همسایگی و ویژگی‌های کالبدی محلات مطلوب ارائه کرده‌اند (رئیس و خلیفه شوستری، ۱۴۰۱، ۱۱۸). از معروف‌ترین اندیشمندان در این زمینه کلرنس پری بود که نظریه واحدهای همسایگی را مطرح نمود. او محلات سنتی را یکی از پایه‌های برنامه‌ریزی شهرهای جدید، محدوده‌های شهری و گسترش مجدد معرفی کرد (میرکتولی، ۱۳۹۴، ۲). خانه ایرانی مهم‌ترین عنصر شکل‌گیری شهر است. شهر ایرانی با تمام زیبایی و شکوه، عظمت و وقار خود را مدیون هویت خانه‌ها و نحوه چینش و رابطه آن‌ها در کنار یکدیگر در سازمان کالبدی محلات می‌باشد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۴، ۳۴۴). در چند دهه اخیر، پژوهش‌های متعددی نقصان روابط همسایگی در محیط‌های مسکونی معاصر را گزارش کرده‌اند (سرعلی و پوردیهیمی، ۱۳۹۵، ۱۱) که امروزه در محلات جدید ایران فضاهای عمومی مشترک تقریباً از بین رفته و فقدان حس مکان و همچنین کاهش تعاملات اجتماعی از آثار آن است (farkisch, 2020, 111). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی در محله‌ها و واحدهای همسایگی، بر ایجاد هویت مکان تاثیرگذار است (Bernardo et al., 2016, 249). از نگر بسیاری از کارشناسان، روابط و همکنش‌های اجتماعی می‌توان جزء عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی باشد (ابراهیمی و مظفر، ۱۴۰۱، ۱۱). یکی از عامل‌های گرانمایه در گسترش مستدام محلات نیز مربوط به بعد فرهنگی اجتماعی و تعاملات بین ساکنین یک محله است. پاره‌ای از تحقیقات در زمینه تعاملات میان همسایگان در فضاهای اجتماعی که به همین غرض طراحی شده‌اند نشان می‌دهد شهروندانی که در این قسم فضاها در تعاملات اجتماعی شرکت می‌کنند تنها بخشی از جمعیت ساکن در محله می‌باشند و بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی در مکان‌های دیگر انجام می‌شود. از نمونه این مکان‌ها می‌توان به بالکن‌ها یا تراس‌ها دیده‌ور به معابر، پله‌های ورودی ساختمان‌ها و... نمارش کرد. برای اینکه این فضاها ساکنان را

خصوص ارتباط تعاملات همسایگی با ساختار کالبدی محله و مقایسه تطبیقی این گونه تعاملات در دو نوع ساختار کالبدی محلات ویلایی و آپارتمانی در شرایط فرهنگی شهر اهواز انجام نشده است و این پژوهش درصدد پرداختن به همین خلاء می‌باشد.

پیشینه پژوهش

و را از عرضه مبادی همسایگی به وسیله پری در دهه ۱۹۲۰، بازجست‌های فراوانی در این مرسوم فرجام گرفت و پژوهشگران فراوانی به بسط و تفسیر وجوه این نگره پرداختند و با گذر زمان تجارب خود را به آن افزودند که در ذیل به به گزیده‌ای از این مطالعات اشاره می‌شود. (جدول ۱)

در حالی که با عابرن و یا دیگر افراد محله ارتباط برقرار می‌کنند از محدوده بر پا شده برای خویش لذت ببرند و احساس آسایش و امنیت شخصی داشته باشند (ferguson & ferguson, 2016, 196). افت کیفی روابط همسایگی در محلات شهرهای معاصر ایران به عنوان مساله اصلی این پژوهش است، بر همین اساس، به این سوال اصلی در این پژوهش پرداخته می‌شود که بین ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی و روابط همسایگی چه ارتباطی وجود دارد؟ با توجه به ادبیات موضوع در رابطه با روابط همسایگی، چنین به نظر می‌رسد که ساختار کالبدی محله، ارتباط معناداری با روابط میان همسایگان در آن محله دارد و این پژوهش در دوره معاصر در شهر اهواز، درصدد پرداختن به همین فرضیه است. بنا بر توضیحات یاد شده، تاکنون پژوهشی در

جدول ۱. پیشینه پژوهش
Table 1. Research background

نویسندگان	عنوان	اهداف و دستاوردها
باقری و همکاران (۱۴۰۱)	تعامل اجتماعی همسایگی، مسئله‌ای شهری	مشکلات مانند عدم تعاملات همسایگان، محدودیت روابط، ضعف تعاملات گرم و سرد، شناخت محدود همسایگان، و کمبود اعتماد میان همسایگان در جامعه ایران شناسایی شده است.
رئیس‌پور، شوشتری (۱۴۰۱)	تحلیل رابطه ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی و تعاملات همسایگی	بین ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی در شهر قم و تعاملات اجتماعی، به ویژه تعاملات چهره به چهره با همسایگان، ارتباط منطقی و معناداری وجود دارد.
سرعلی، پوردیهیمی (۱۴۰۰)	یک مدل نظری برای مطالعه روابط همسایگی در محیط‌های مسکونی	عوامل فردی و اجتماعی اقتصادی مانند ویژگی‌های شخصیتی، وضعیت تأهل، جنسیت، مدت زمان سکونت، مالکیت و قومیت نژاد، اولویت اصلی در تشکیل روابط همسایگی دارند. همچنین، ویژگی‌های فیزیکی محیط مسکونی نیز ممکن است تأثیرگذار بر شکل‌گیری و دوام روابط اجتماعی همسایگان باشد.
مظفر، ابراهیمی مجرد،	رابطه پیوندهای اجتماعی و معنایی با احساس هویت مکانی در محله‌های مسکونی (مورد مطالعاتی: محله سپه قزوین)	انطباق اجتماعی فرهنگی، به عنوان یکی از پیوندهای اجتماعی و معنایی، تأثیر بیشتری بر بعد تناسب محیطی در شکل‌گیری هویت مکانی ساکنان محله دارد.
حیدری (۱۴۰۰)	تحلیل میزان نمودپذیری معانی مختلف خانه در الگوهای آپارتمانی و مستقل حیاطدار، نمونه موردی: شهرشیراز	معانی همچون آزادی، تعلق، ریشه‌داری، تفاوت، داوم، هویت‌مندی، و امنیت در میان ساکنان خانه‌های مستقل حیاطدار بیشتری نمود داشته‌اند.
عباسی هرفته، صادقیان (۱۳۹۸)	الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد، شاخصه‌ها، ابزارهای معمارانه و اصول معماری همسایگی	با استفاده از ابزارهای معماری، مانند دگرگونی مصالح کف، مسقف کردن، جداره‌ها، تغییر تناسبات و...، سه الگوی اساسی همسایگی در فضای نیمه عمومی بافت تاریخی یزد شکل گرفته است: الگوی ورودی، در بند محور و ساباط محور. این الگوها با رعایت مجاورت مکانی و کیفیت بخشی فضایی تأثیرگذار بر روابط همسایگی بوده‌اند.
قره‌خانی و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی نقش فضاهای تعاملات اجتماعی بر کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی	طراحی مجتمع‌های مسکونی بر اساس اصول اجتماعی و فرهنگی، به خصوص اصول همسایگی و اجتماع‌پذیری، می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی ساکنین ایفا کند.
رویان، کهزادی سیف آباد (۱۳۹۷)	بازشناسی مفهوم همسایگی در بافت‌های مسکونی	همسایگی به عنوان یک مفهوم اجتماعی و فرهنگی، با تأکید بر کالبد و کیفیت فضای پهنه‌ای، می‌تواند برای ایجاد یک فضای شهری دینامیک و پویا با ارتقاء هویت و عینیت محیط، تأثیرگذار باشد.

ادامه جدول ۱. پیشینه پژوهش
Continuie of Table 1. Research background

نویسندگان	عنوان	اهداف و دستاوردها
سالاری پور و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دلبستگی به مکان	در محله‌های سنتی، همسایگی نقش اجتماعی مهمی داشته و باعث ایجاد حس تعهد عمیق نسبت به همسایگان و محله می‌شود.
رازقی و همکاران (۱۳۹۶)	بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان روابط همسایگی	اعتماد اجتماعی به عنوان عامل اساسی تاثیرگذار بر روابط همسایگی معرفی شده و دین، احساس امنیت، و حمایت اجتماعی نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر میزان روابط همسایگی اثر دارند.
سرعلی، پوردیهیمی (۱۳۹۵)	همسایگی و همسایه بودن	تحقیقات انجام شده تاکید دارد که مفهوم همسایگی و همسایه بودن ابعاد مختلفی از جمله کالبدی، اجتماعی و تجربی ادراکی را دربرمی‌گیرند. با این حال، تعریف مرتبط با همسایگی به بعد کالبدی در مقیاس‌های محدود تاکید دارد، در حالی که مفهوم همسایه بودن به کیفیت روابط اجتماعی میان ساکنان همجوار در سطوح و مقیاس‌های مختلف تأثیر می‌گذارد.
منابع خارجی		
Farkisch (2020)	ارزیابی تعامل اجتماعی در مفهوم مکان: باز اندیشی در طراحی مرکز محله در فضای شهری، مورد مطالعه: شهر بشرویه	فرم محله تأثیرگذار بر ایجاد تعامل در مرکز محله است و همچنین تعاملات اجتماعی با همسایگان در افزایش حس مکانی ساکنان نقش دارد.
Hele.Caglar (2019)	تاثیر محیط ساخته شده بر روابط همسایگی در زمینه تعامل اجتماعی	روابط اجتماعی در مناطقی با خانه‌های مجزا قوی‌تر است. با این حال در مناطق دارای ساختمان‌های بلند، روابط اجتماعی ضعیفتر است.
Lenzi & et al (2013)	ارتباط اجتماعی محله و مشارکت مدنی نوجوانان	نتایج این تحقیق نقاط مهمی را برای برنامه‌های تحقیقاتی و پیشگیری آینده ارائه می‌دهد که هدف آن اثرگذاری بر سیستم‌های اجتماعی برای ترویج مشارکت مدنی نوجوانان است.
william pell (2012)	تعامل اجتماعی محله در جا به جایی مسکن عمومی	ساکنان قبل از جابه‌جایی در جوامع مسکونی عمومی در جوانب منطق ایده‌آل مشارکت در محیط محله و صحنه اجتماعی متفاوت بودند. این نتایج نشان می‌دهد که با ایجاد تناسب بهتری میان ساکنان و محله توسط مقامات مسکن، می‌توان در کل فرآیند جابه‌جایی به نتایج اجتماعی مفیدتری دست یافت.
Carvajal (2011)	بررسی رابطه بین تعامل اجتماعی محله و گسترش شهری در مناطق شهری ایالات متحده	وجود ارتباط آماری معنی‌داری بین استفاده از فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، میدان‌ها، کتابخانه‌ها و گاهی اوقات مراکز اجتماعی با نوع تعاملات همسایگی در بین شرکت‌کنندگان موجود است.
خلاء پژوهش‌های پیشین		به نظر می‌رسد بر اساس پیشینه‌ای که ارائه شد، هنوز پژوهشی در خصوص ارتباط و تعاملات همسایگی با ساختار کالبدی محله و مقایسه تطبیقی این گونه تعاملات در دو نوع ساختار کالبدی محلات ویلایی و آپارتمانی در شرایط فرهنگی شهر اهواز انجام نشده است. این پژوهش می‌تواند به عنوان یک مطالعه مهم در زمینه تعاملات همسایگی و ساختار کالبدی محله در شهر اهواز، مفید باشد.

مبانی نظری روابط همسایگی

در اثرپذیری و اثرگذاری فرد و جامعه نقشی بسیار مهم دارد. رابطه همسایگی در شهرهای سنتی ایران ذیل روابط محله‌ای (در ظرف معماری محله) و بالاتر از روابط خانوادگی (در ظرف معماری خانه) رخ می‌دهد. در واقع همسایگی، جامعه‌ای کوچک مقیاس مکان‌اند با روابط محدود اما منسجم است و سلول بنیادین محلاتی تلقی می‌شده است که واحد پایه و ساختار و شالوده سازمان فضایی و اجتماعی شهرهای تاریخی ایران بوده‌اند و دو رکن (مجاورت مکانی و انسجام اجتماعی) را دارا بوده است (عباسی هرفته و صادقیان، ۱۳۹۸، ۷). به تبع امنیت روابط همسایگی، ظرف تحقق آن یعنی معماری همسایگی

همسایگی در فرهنگ لغت دهخدا به معنی هم دیوار و دو تن است و همسایه به معنی دو خانواده است که مجاور و قرین یکدیگر زندگی می‌کنند (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲۸۷). ویر همسایگی را عبارت از روابط متقابل اجتماعی مبتنی بر مساعدت‌های متقابل در وضعیت‌های مختلف اضطراری و بحرانی می‌داند (میرکتولی، ۱۳۹۴، ۶). اگر خانه را به مثابه‌ی درون و جامعه را به مثابه‌ی محیط بیرون در نظر بگیریم، همسایگی در واقع فضای انتقال است که این تداوم از درون به بیرون

موضوعیت جدی دارد. اساساً معماری ظرف تحقق روابط معنادار انسانی است و معماری همسایگی پاسخی برای پوشش دادن به این وجه از روابط مورد نیاز انسان‌ها است. بنابراین همسایگی علاوه بر بعد اجتماعی (دلبستگی‌ها، روابط و مبادلات اجتماعی) دارای بعد فضایی کالبدی نیز هستند (David & Herbert, 1994, 527). به گفتار دیگر، واحد همسایگی، ظرف یا کالبد مشخص برای بروز رفتارها و تعاملات همسایگی است که به عنوان مظروف آن ظرف می‌باشد. بر همین قاعده، هدف بسیاری از نظریه پردازان معماری و شهرسازی، منطبق بر ساختن رفتار شهروندان بر کالبد محله است (رئیس و خلیفه شوشتری، ۱۴۰۱، ۱۱۹). از مهم‌ترین عوامل زمینه در تعاملات اجتماعی شایسته میان همسایگان، تعامل چهره به چهره آن‌ها است. عموماً شروع یک رابطه سالم و بر اساس تعاون در یک واحد همسایگی، از تعاملات چهره به چهره آغاز می‌شود. در مدل لوینگر و اسنوآک در یک فرآیند سه مرحله‌ای از صفر به سه، اولین مرحله برای ملاقات دو سوویه و عمیق، وجود تعاملات چهره به چهره است. مرحله صفر مرحله‌ای است که افراد از وجود هم بی‌اطلاع هستند. در مرحله یک اولین برخوردها رخ می‌دهد و هر یک از طرفین برداشت خود را از طرف مقابل شکل می‌دهد اما هنوز ارتباط عمیقی شکل نگرفته است. یعنی با حضور اشخاص در واحد همسایگی و روبه رو شدن و تماس چشمی، امکان آشنایی اولیه افراد با یکدیگر فراهم می‌آید که این امر مستلزم وجود قرارگاه‌های رفتاری مشترک است (سرعلی و پوردیهیمی، ۱۳۹۵، ۱۶) در این مرحله است که روابط چهره به چهره سبب پیوند جدی انسان به مکان می‌شود و می‌توان موجب شود که انسان دارای حس تعلق به فضا شود (لنگ، ۱۳۸۱، ۱۷۹).

محلات شهری

در چند دهه گذشته ایده واحد همسایگی نقش و جایگاه ویژه‌ای را در اقدامات بازسازی مراکز شهری و ایجاد محیط‌های شهری جدید در سراسر جهان داشته است. بررسی تاریخ معماری و شهرسازی ایران نشان می‌دهد که محله یا کوی به مشابه واحد جغرافیایی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عنصر اصلی سازه‌ی شهر و تقسیم کننده آن به بخش‌های متفاوت بوده است (سرعلی، پوردیهیمی، ۱۳۹۵، ۶). ساختار شهرهای ایرانی برمدار جوامعی، در مقیاس‌های مختلف از شهرها، محله و همسایگی استوار بوده که در آن‌ها انسجام اجتماعی حرف اول را می‌زده است. هرچند مجاورت مکانی عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری روابط اجتماعی است، همسایگی در گذشته علاوه بر نزدیکی مکانی از انسجامی اجتماعی و روابطی قوی بین افراد بهره برده است که حاصل همگنی اجتماعی و صفات مشترک بین همسایگان بوده که شرط

روابط اجتماعی مطلوب است (هرفته و صادقیان، ۱۳۹۸، ۷). محله به عنوان تبلور فضایی شرایط اجتماعی اقتصادی جامعه، از انسجام و همگنی خاصی برخوردار است. به عبارت دیگر شکل اجتماعی است (رویان و کهزادی، ۱۳۹۷، ۳). در شهرهای تاریخی ایران، پایه سازمان فضایی کالبدی و اجتماعی شهر بر آراستگی محله بندی پایدار بوده است و محله به نام واحد اساسی و نظم دهنده از ساختار فضایی و اجتماعی شهر آن چنان کارایی در شکل‌گیری شهرداشته که شهرها بر اساس هویت محله تعریف می‌شده‌اند (میرکتولی، ۱۳۹۴، ۶) و سازمان فضایی شهرها بر پیوستگی مابین مرکز شهر و مراکز محله‌ها از راه گذرهای اصلی و میدان‌ها برقرار بوده است (نقه الاسلامی، ۱۳۹۰، ۳۵). در شهر اسلامی، محله‌ها واحدهای کالبدی و اجتماعی مستقلی بوده‌اند و بسیاری از نیازهای روزمره ساکنین در محیط محله تامین می‌شده است. انسجام مقیاس و تناسب‌های انسانی از ویژگی‌های محله‌های ایرانی اسلامی بودند که موجب نزدیکی ساکنان و بالا رفتن ارتباط‌های چهره به چهره و رابطه‌های متقابل اجتماعی و تقویت و پایداری این رابطه‌ها و سرانجام باعث جو صمیمی و اجتماعی و برطرف شدن بسیاری از مسائل و مشکل‌ها از سوی همسایگان در محله‌ها می‌گردد (سالاری و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۸).

ساختار محلات در شهر اهواز

شهر اهواز فاقد ساختار محله‌ای به معنای سنتی آن است. محلات اهواز بر اساس آمیزه‌ای از نیازهای مسکونی، تجاری، اداری یا صنعتی شکل گرفته‌اند (جدول ۲) (مجتهدزاده، نام‌آور، ۱۳۹۱، ۵۳).

ویژگی‌های بافت شهری در اهواز

بافت شهری اهواز بافتی چندپاره است و این چند پارگی باعث شده تا مناطقی با ویژگی‌های گوناگونی در آن شکل گیرد. این مناطق به طور عمده شامل: بافت قدیمی شهر، بافت مناطق شرکتی و سازمانی، بافت مناطق شهری جدید و بافت مناطق حاشیه ای است (مجتهدزاده، نام‌آور، ۱۳۹۱، ۵۶) که در جدول ۳ خصوصیات عمده این مناطق بر شمرده می‌شود.

در محله‌های سنتی ایران روابط چهره به چهره و تعاملات اجتماعی را می‌توان به وفور نگریست که عواملی همانند بافت جمعیتی محلات یا عدم وجود ارتباطات مجازی بر این موضوع موثر بوده است ولی از عوامل مهم‌تر دیگر، کالبد(ظرف) محلات بوده که توانایی این تعاملات چهره به چهره را پیشرفت می‌داده است. به طور مثال محله‌های قدیمی دارای یک مرکزیت بودند و مرکز محله بیش‌ترین تعاملات و تجمع‌های افراد محله را پیرامون خود شکل می‌داد. این مرکز محلات شامل

جدول ۲. محلات در اهواز، (ماخذ: اقتباس از مجتهدزاده و نام‌آور، ۱۳۹۱)
Table 2. Localities in Ahvaz, (Source: Adapted from Mojtahezadeh & NamAvar, 2013)

در قالب یک طرح کلی و بر اساس نیازهای کارکردی عملکردی با انگیزه اقتصادی شکل می‌گیرد. مانند محله‌هایی همچون: پادادشهر، امانیه، کیانپارس، زیتون کارمندی.	گروه اول
محله‌هایی هستند که بر اساس نیازهای اداری و سازمانی، سامان یافته‌اند و ساختار درونی آنها مبتنی بر نظام سازمانی و سلسله مراتب اداری است. مانند محله‌هایی هم مانند: خرمکوشک، صنایع فولاد، شهرک نفت، کوی بوستان، نیوسایت.	گروه دوم

جدول ۳. ویژگی‌های بافت شهری اهواز، (ماخذ: اقتباس از مجتهدزاده و نام‌آور، ۱۳۹۱)
Table 3. Characteristics of the urban fabric of Ahvaz, (Source: Adapted from Mojtahezadeh & NamAvar, 2013)

در این بخش که مرکز فعلی هر اهواز است، تراکم ساختمانی زیاد و سرعت نوسازی نیز بالاست. کیفیت معابر و خیابان‌ها نسبتاً پایین است. هرچه از خیابان‌های اصلی فاصله بگیریم و به درون بافت نفوذ کنیم، قدمت بناها بیشتر می‌گردد. به طور کلی در این منطقه می‌توان خانه‌ها و یا ساختمان‌های عمودی را دید که معماری و گذشته شهر را نشان می‌دهند.	بافت قدیم شهر
مناطق شرکتی و سازمانی شهر اهواز به طور عمده تحت تاثیر الگوی انگلیسی شرکت نفت ساخته شده است. که به صورت باغ ویلایی هستند. قدیمی‌ترین این مناطق در شهرک خرمکوشک و نیوسایت قابل مشاهده است. اما مناطق بعدی نظیر شهرک نفت، شهرک آب و برق و شهرک صنایع فولاد و... نیز به گونه‌ای مشابه ساخته شده‌اند.	مناطق شرکتی و سازمانی
مناطق شهری جدید به طور عمده در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شکل گرفته است. ویژگی اصل این مناطق شبکه شطرنجی و قطعه‌بندی بزرگ زمین و تناسب عریض معابر است. این مناطق شامل: منطقه امانیه، کیانپارس، زیتون کارمندی، ملی راه، پادادشهر، گلستان و... می‌باشد.	مناطق شهری جدید
شامل شهرک‌های کارگری و مناطقی است که به صورت غیرمجاز در توسعه‌های دهه ۵۰ و ۶۰ با ویژگی‌های زاغه‌نشین شکل گرفته‌اند. تراکم بالا و کیفیت پایین از مهم‌ترین ویژگی‌های این مناطق است. بخش‌هایی نظیر حصیرآباد، منبع آب، کیان، زیتون کارگری و... جز این مناطق از شهر است.	مناطق حاشیه‌ای

رابطه بین الگوی کالبدی بافت مسکونی محلات و تعاملات چهره به چهره پیمایش شود. (جدول ۴)

این پرسشنامه در چهار محله شهر اهواز (شهرک نفت، نیوسایت، زیتون کارمندی، کیانپارس) توزیع شد که به صورت بسته و طیف لیکرت ارائه شده است که طبق چارچوب پژوهش، پرسش‌ها در زمینه اندازه‌گیری تعاملات اجتماعی و روابط چهره به چهره طراحی شده است. جمعیت این مناطق به تفکیک در جدول ۵ آورده شده است. به تعبیری دیگر، پرسش‌ها منوط به میزان شناخت از همسایه و میزان تعاملات بین آن‌ها می‌باشد که پس از پاسخ، برآیند پرسش‌نامه‌ها با نرم افزار آماری SPSS، کاوش و پردازش گردیده است.

برای جمع آوری اطلاعات حدود ۴۳۰ پرسشنامه بین ۴ محله ذکر شده (جدول ۵) توزیع شد که از این تعداد، ۳۹۴ پرسشنامه قابل تحلیل بود و برای برآورد آن، از جدول مورگان استفاده شده است. حجم نمونه برابر با ۹۵۵۵۵ نفر بوده که طبق جدول مورگان برای تعمیم پذیری نتایج باید پرسشنامه حداقل میان ۳۸۴ نفر توزیع می‌شد. بدین سبب به تعداد ۳۹۴ نفر پرسشنامه‌ای که مبنای تحلیل یافته‌های پژوهشی قرار گرفته است. تعداد پرسشنامه ۱۰ عدد بیشتر از تعداد لازم برای تامین اعتبار نتایج بود.

برای سنجش از کافی بودن نمونه از آزمون KMO و بارلت استفاده شده است که این دو آزمون روش‌های علمی برای حصول اطمینان

مسجد، بازار، حمام و... بوده است و این امکان‌ها احتمال مواجهه و تعامل همسایگان بیش تر می‌شد. با توجه به موارد بالا، در این پژوهش سعی شده است که تاثیر یکی از ویژگی‌های کالبدی محله یعنی ویلایی یا آپارتمانی بودن بافت مسکونی محله بر عملکرد تعاملات چهره به چهره مورد بررسی قرار گیرد. (شکل ۱)

روش پژوهش

همان‌گونه که پیش‌تر نمارش شد هدف از این پژوهش، جستن رابطه بین کالبد یا فرم محله و میزان تعاملات اجتماعی چهره به چهره در محله است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت و گردآوری داده‌ها توصیفی تحلیلی و از نوع کمی کیفی است. که از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است که در آن اهتمام می‌شود رابطه بین دو یا چند متغیر شهود شود به نحوی که متغیرها تحت کنترل محقق نبوده و یا به دلایلی محقق قادر به کنترل آن‌ها نمی‌باشد. در تحقیق همبستگی اندازه‌گیری و سنجش رابطه بین دو متغیر اهمیت بیش‌تری نسبت به تحلیل و تفسیر آن دارد و هدف، سنجش ارتباط بین متغیر مستقل و متغیر وابسته است، به همین دلیل، این نوع تحقیق را از تحقیق کیفی متباین می‌کند. در این پژوهش، متغیر وابسته روابط همسایگی و به طور ویژه، روابط چهره به چهره در یک محله است. بر همین پایه، پرسش‌نامه‌هایی طرح گردید و کوشش شد



شکل ۱. فرآیند انجام پژوهش
Figure 1. Research process

جدول ۴. گویه‌ها و شاخص‌ها
Table 4. Objects and indicators

نوع متغیر	شاخص	گویه	هدف
	زمان	چه مدت زمان (سال) در محل زندگی خود سکونت دارید؟	سنجش مدت سکونت
مستقل	کالبد محله	در چه مکانی (ویلایی یا آپارتمان) زندگی می‌کنید؟	سنجش کالبد یا فرم محله
وابسته	تعاملات اجتماعی	روابط اجتماعی شما با دیگر همسایگان چقدر است؟	سنجش میزان سطح فرهنگی ساکنین
وابسته	هویت	وسعت لابی ورودی ساختمان (آپارتمان) یا کوچه (ویلایی) شما چقدر با هویت اجتماعی شما مطابقت دارد؟	سنجش میزان هویت
وابسته	هویت	چه میزان از همسایگان خود راضی و خشنود هستید؟	سنجش رضایتمندی از همسایگان
وابسته	سازگاری با گروه‌های مختلف	چقدر در نگهداری و ایجاد امنیت در مجتمع مسکونی (آپارتمان) و یا کوچه (ویلایی) با دیگر همسایگان مشارکت و هماهنگی دارید؟	سنجش میزان امنیت
وابسته	آسایش	همکاری و رسیدگی همسایگان شما نسبت به فضاهای مشترک و عمومی چقدر در آسایش روانی شما مؤثر است؟	سنجش آسایش محیطی
وابسته	شرایط اقتصادی	هم‌سنخی و تشابه اجتماعی اقتصادی همسایگان با شما چقدر در برقراری ارتباط شما با همسایگان مؤثر است؟	سنجش موقعیت اجتماعی و قدرت اقتصادی
وابسته	امنیت	همسایگان خود را در طول روز به چه میزان ملاقات می‌کنید؟	سنجش امنیت و محله قابل کنترل
وابسته	خاطره انگیزی	تا به چه اندازه در فضاهای ساختمان (آپارتمان) و یا کوچه (ویلایی) با همسایگان به فعالیت‌های مختلف می‌پردازید؟	سنجش میزان مشارکت و فعالیت همسایگان
وابسته	هویت	به چه میزان همسایگان در احساس تعلق به محیط پیرامون و خانه خود، تأثیرگذار هستند؟	سنجش احساس تعلق

پرسش‌نامه‌ها در محلاتی توزیع گردد که به لحاظ این نوع شرایط کمابیش مشابه یکدیگر باشند تا بتوان با یقین بیشتری به پیمایش رابطه میان نوع الگوی بافت مسکونی و تعاملات چهره به چهره پرداخت. فرآیند می‌توان گفت که انگیزش و ایجاد شرایط تعاملات اجتماعی و روابط چهره به چهره برای ساکنین آن محله از مختص‌های یک محله مطلوب می‌باشد و آماج این پژوهش پیمایش این ویژگی در دو قسم الگوی محله‌ی ویلایی و آپارتمان است. (جدول ۷)

یافته‌های پژوهش

در این بخش به معرفی محله‌های مورد مطالعه این پژوهش و تحلیل یافته‌های حاصل از نظرات ساکنین این محله‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های توصیفی پژوهش

از مجموع پاسخگویان مورد مطالعه ۵۱/۸ درصد از افراد نمونه آماری مرد و ۴۸/۲ درصد زن هستند. حداقل سنی افراد ۱۷ سال و حداکثر ۷۶ سال دارند و میانگین سن نمونه آماری برابر با ۳۷/۸۱ می‌باشد.

از کفایت نمونه منتخب می‌باشد. مقدار شاخص KMO در بازه ۰ تا ۱ تغییر می‌کند، بزرگ بودن این مقدار نشان دهنده قدرت یا بهبود درجه پیش‌بینی هر متغیر توسط سایر متغیرها است. مشخص است که نزدیکی این مقدار به عدد صفر نشانگر ضعیف بودن مدل پیش‌بینی بوده است. به منظور شرایط کفایت نمونه‌گیری در تحلیل، این شاخص باید بالای ۰/۷ باشد.

میزان آمار KMO برابر با ۰/۸۸۰ بدست آمده است، و مقدار معناداری آزمون بارتلت نیز ۰/۰۰۰ می‌باشد که نشان می‌دهد نتایج بدست آمده معنادار است. بنابراین حجم نمونه برای تحلیل کفایت می‌کند. (جدول ۶)

متغیر مستقل این پژوهش الگوی کالبدی محلات است که مقصود، نوع بلوک‌های مسکونی محله به دیدگاه ویلایی و یا آپارتمانی می‌باشد. در گزینش محلات و نمونه‌ها سعی شده است متغیرهای مستقل دیگر که بر روی متغیر وابسته یعنی تعاملات چهره به چهره تاثیر دارند کنترل گردد که از جمله آن می‌توان به شرایط مالی افراد و مدت سکونت آن‌ها اشاره کرد. بنابراین کوشش گردید

جدول ۵. منطقه بندی مناطق مورد بررسی

Table 5. Zoning of the studied areas

منطقه	فراوانی	جمعیت	تعداد نمونه
شهرک نفت	۶/۲۲	۶۴۲۹	۸۹
نیوسایت	۴/۲۷	۲۱۲۶	۱۰۸
زیتون کارمندی	۹/۲۶	۴۰۰۰	۱۰۶
کیانپارس	۱/۲۳	۴۷۰۰	۹۱
کل	۱۰۰	۹۵۵۵۵	۳۹۴

جدول ۶. آزمون KMO و بارتلت

Table 6. KMO and Bartlett test, source

KMO	۰/۸۸۰
Approx. chisquare	۹۱۴/۹۱۳
DF	۵۵
Sig	۰/۰۰۰

جدول ۷. متغیر وابسته و مستقل پژوهش

Table 7. Dependent and independent variable of the research

متغیر مستقل	تیپ بلوک‌های مسکونی آپارتمانی، ویلایی
متغیر وابسته	تعامل چهره به چهره در محلات

جدول ۸. پاسخ دهندگان
Table 8. Respondents

	Frequency	Percent	Vaid Percent	Cumulative Percent
مرد	۲۰۴	۸/۵۱	۸/۵۱	۸/۵۱
زن	۱۹۰	۲/۴۸	۲/۴۸	۱۰۰
Total	۳۹۴	۱۰۰	۱۰۰	

(جدول ۸)

محله شهرک مسکونی نفت

شهرک مسکونی نفت واقع شده در ناحیه ۳ شهرداری شهر اهواز می‌باشد، که مساحت آن به چیزی در حدود ۲۲۸ هکتار می‌باشد که متعلق به شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب بوده و با داشتن ۲۰۰۰ واحد مسکونی به همراه ۱۲۰۰۰۰ متر مربع به همراه مراکز آموزشی، اداری، درمانی و فرهنگی در ۶ فاز مختلف یکی از بزرگترین شهرک‌های واقع در استان خوزستان و ایران می‌باشد. منازل شهرک مسکونی نفت در ۳ تیپ طراحی شده که شامل منازل آپارتمانی ۸ واحده در یک طبقه با زیر بنای هر واحد ۱۲۰ متر مربع، ویلایی ۴ اتاقه تیپ B با زیربنای ۳۱۵ مترمربع و منازل ویلایی ۳ خوابه تیپ C با زیربنای ۲۴۱ مترمربع می‌باشد. از دیگر خصوصیات این شهرک دارا بودن فضاهای سبز متنوع پرتراکم در فازهای مختلف است به طوری که دمای محیط‌های باز این شهرک نسبت به مسانگین کلی در شهر اهواز همواره ۲ تا ۳ درجه پایین‌تر می‌باشد و به نوعی یکی از سرسبزترین شهرک‌های مسکونی در استان خوزستان می‌باشد (امیرجانی، ۱۳۹۲، ۳۰). ساختار این محله به صورت شبکه‌ای می‌باشد.

معرفی نمونه‌ها

در این پژوهش چهار نمونه از محلات مسکونی در شهر اهواز انتخاب شده است که دو مورد آن، محله با الگوی مسکن ویلایی می‌باشد و دو مورد دیگر محله با الگوی مسکن آپارتمانی است، سعی شده است نمونه‌ها طوری انتخاب شوند که متغیرهای مستقل ثانویه، مانند وضعیت اقتصادی، قومیت، مرتبه اجتماعی و... کم‌ترین تأثیر را بر متغیر وابسته یعنی تعاملات و روابط همسایگی بگذارند، به بیان دیگر نمونه‌ها و محله‌های مورد مطالعه، متغیرهای مستقل ثانویه تأثیر یکسانی را روی متغیر وابسته داشته باشند. بنابراین محلاتی که گزینش شده‌اند از لحاظ قدمت (چه نوع ویلایی و چه نوع آپارتمانی) از کهن‌ترین نوع محلات در نوع خود هستند و ساکنین آن مدت زمان زیادی در محله ساکن بوده‌اند. هر چهار محله انتخاب شده در مناطق مرغوب و گران اهواز قرار دارند و وضعیت مالی نسبتاً خوبی دارند و این ویژگی در هر چهار محله انتخاب شده تا حدود زیادی وجود دارد. در ادامه و قبل از تبیین یافته‌های تحقیق، این چهار نمونه معرفی می‌گردد. (شکل ۲)

(جدول ۹)



شکل ۲. چهار مورد مطالعه در پژوهش
Figure 2. Four cases studied in the research



شکل ۴. سیمای خیابانی از محله شهرک نفت

Figure 4. A street scene from Shahrak Naft neighborhood



شکل ۳. نقشه محله شهرک نفت

Figure 3. Map of Sharak Naft neighborhood

محله زیتون کارمندی

زیتون کارمندی در ناحیه شمال شرق رودخانه کارون و یکی از محله‌های اهواز است که در ابتدا اساساً توسط شرکت ملی نفت ایران، برای کارمندان این شرکت بنا گردید و امروزه منازل این محله واگذار گردید، و آپارتمان‌سازی چهره‌ی این محله قدیمی را تغییر داده، گرچه هنوز تعداد انگشت شماری از منازل سازمانی نفت که به سبک معماری آن‌ها هستند باقی مانده اما به منطقه‌ای نسبتاً مدرن تبدیل شده است و مراکز تجاری و تفریحی زیادی در این منطقه به چشم می‌خورد. مساحت آن حدود ۱۷۵ هکتار می‌باشد. سازمان‌دهی این محله به صورت شبکه‌ای (شطرنجی) می‌باشد. البته این محله دارای سلسله مراتب اندکی است و خیابان‌های شطرنجی آن نسبت به شهرک نفت دارای عرض و تردد بیشتری می‌باشد هم چنین بافت شطرنجی خیابان‌ها و راه داشتن مستقیم تمام خیابان‌ها به هم این امر را تشدید می‌کند (شوئنوئر، ۱۳۸۰، ۵۵۱۱۵). (شکل ۷.۸)

کیانپارس

کیانپارس یکی از محلات اهواز می‌باشد و در غرب رودخانه کارون و منطقه ۳ شهرداری شهر اهواز قرار دارد. مساحت آن حدوداً ۴۰۸ هکتار می‌باشد که به صورت شرقی و غربی نام گذاری شده است. چهره قدیم این محله در هنگام تاسیس در دهه ۵۰، دارای خانه‌های

سازماندهی شبکه‌ای شامل فرم‌ها و فضاهایی است که مکانشان در فضا و روابطشان با یکدیگر به وسیله یک محدوده یا شبکه‌ای سه بعدی تنظیم می‌شوند. قدرت سازماندهی یک شبکه حاصل از نظم تداوم شکل آن است که اجزا سازماندهی شوند را فرا می‌گیرد. (شکل ۳.۴)

محله نیوسایت

شهرک مسکونی نیوسایت در شمال شرق رودخانه کارون و در منطقه هفت شهرداری اهواز قرار دارد. مساحت آن ۱۹۳ هکتار می‌باشد. تعداد منازل مسکونی این شهرک ۳۴۱ واحد با زیربنای ۷۰ تا ۳۰۰ متر مربع است و مشتمل از فضاهای مذهبی، ورزشی، آموزشی، درمانی، تفریحی است. این شهرک حدوداً ۷۰ سال کهنگی دارد، ویلسون مجموعه نیوسایت را بر اساس طراحی خانه‌های انگلیسی بام شیب‌دار و اندیشه‌های عملکردی در آن زمان طراحی و اجرا کرده است (ماجدی و همکاران، ۲۷، ۱۴۰۰). ساختار این محله به صورت خوشه‌ای می‌باشد، سازمان بندی خوشه‌ای نوعی از سازمان بندی است که فضای گروه بندی شده بر اساس مجاورت یا سهم بودن در یک رابطه یا خصیصه بصری مشترک می‌باشد (دی، کی، چنگ، ۱۳۸۸، ۲۳۰). این مسئله سبب به وجود آمدن کوچه‌های باریک و پرپیچ و خم و نیز کوچه‌های بن‌بست شده است و نوعی سلسله مراتب در محله مذکور به وجود آورده است. (شکل ۵.۶)



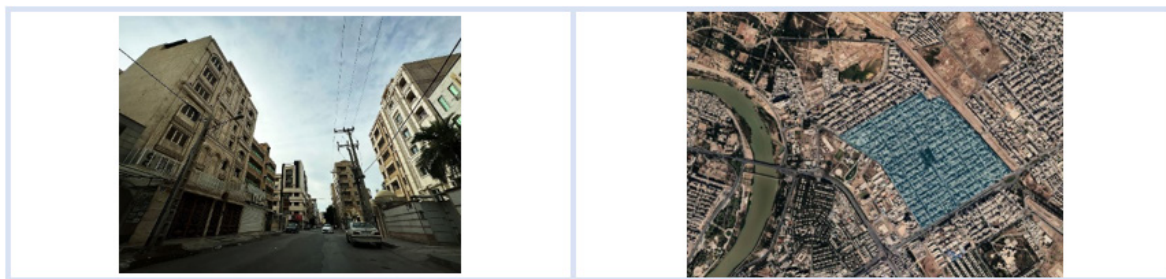
شکل ۶. سیمای خیابانی از محله نیوسایت

Figure 6. Street view of Newsite neighborhood



شکل ۵. نقشه محله نیوسایت

Figure 5. Map of Newsite neighborhood



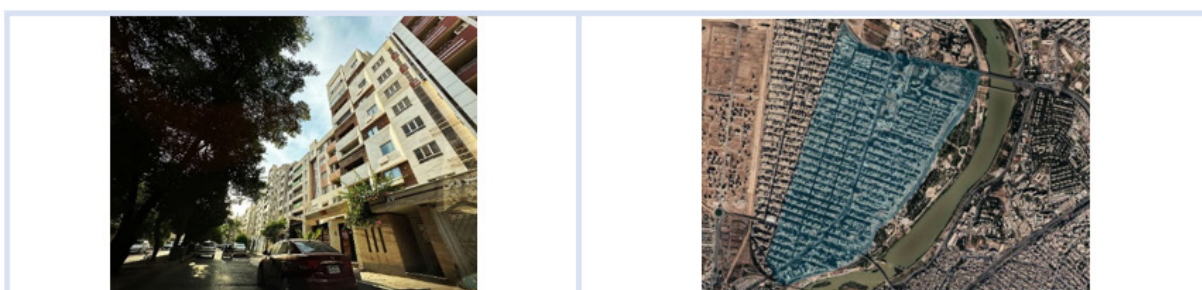
شکل ۷. نقشه محله زیتون کارمندی

Figure 7. Map of Zaytoun Karmandi neighborhood



شکل ۸. سیمای خیابانی از محله زیتون کارمندی

Figure 8. A street scene from Zaytoun Karmandi neighborhood



شکل ۹. نقشه محله کیانپارس

Figure 9. Map of Kianpars neighborhood



شکل ۱۰. سیمای خیابانی از محله کیانپارس

Figure 10. Street scene from Kianpars neighborhood

جدول ۹. مشخصات کالبدی نمونه‌های مورد مطالعه،
Table 9. Physical characteristics of the studied samples

نام محله	نوع مسکن	سازماندهی فضایی	مرکز محله
شهرک نفت	ویلايي	شبکه‌ای	فضای مسکونی و فضای سبز
نیوسایت	ویلايي	خوشه‌ای	فضای مسکونی و فضای سبز
زیتون کارمندی	آپارتمانی	شطرنجی	پارک و فضای سبز
کیانپارس	آپارتمانی	شطرنجی	تجاری

برای رد و یا تایید فرضیه پژوهش (حاکمی بر انتساب بین الگوی مسکن در بافت‌های مسکونی محلات و تعاملات چهره به چهره در محلات) می‌توان به جدول آزمون واریانس اشاره کرد. این جدول بیان‌کننده آن است که آیا تباین معناداری بین متغیرهای تعریف شده در پژوهش وجود دارد. قسمت برجسته جدول سطح معنی‌داری یا "significance" می‌باشد که به اختصار با نماد "sig" نمایش داده می‌شود. سطح معناداری، میزان یا معیاری است که به عنوان پایه‌ی معنی‌داری شناخته می‌شود که با خطای نوع اول مقایسه می‌شود. این میزان عموماً در تحقیقات ۰/۰۵ باشد، احتمال اتفاقی بودن این تفاوت یا رابطه خیلی کم است و در نتیجه می‌توان گفت تفاوت یا رابطه مورد نظر معنی‌دار می‌باشد، اما در صورتی که بیش‌تر از ۰/۰۵ باشد، احتمال

ویلايي با متراژ بالا و کوچه‌هایی سرسبز بوده که به مرور آپارتمان‌سازی، چهره این منطقه را کاملاً تغییر داده است. سازماندهی این محله به صورت شطرنجی می‌باشد. (شکل ۹، ۱۰)

یافته‌های استنباطی پژوهش

قبل از تجزیه و تحلیل یافته‌ها، قابلیت اتکایی پرسشنامه و سوالات ارزیابی شد و اعتبار آن مورد سنجش قرار گرفت. برای تحلیل روایی گویه‌های پژوهش از ضریب همبستگی آلفای کرونباخ استفاده شده است که با توجه به ضریب اتکایی استاندارد که ۰/۷ می‌باشد می‌توان این نتیجه را گرفت که سوالات و پرسشنامه موجود قابل اتکا می‌باشد. (جدول ۱۰)

می‌دهد تفاوت میانگین بین دو محله (آپارتمانی با ویلایی) معنادار است. به طور مثال می‌توان گفت بین محله شهرک نفت (ویلایی) با زیتون کارمندی (آپارتمان) و یا محله نیوسایت (ویلایی) با کیانپارس (آپارتمانی) تفاوت معناداری بین آن‌ها در پاسخگویی به گویه‌ها وجود دارد.

همان گونه که در **جدول ۱۲** بالا مشخص است محلات شهرک نفت و نیوسایت با محلات زیتون کارمندی و کیانپارس تفاوت معنی‌داری با هم دارند به عبارتی در پاسخگویی به سوالات پرسشنامه در مقایسه بین محلات ویلایی نشین و آپارتمان نشین تفاوت معناداری وجود دارد ولی این تفاوت در پاسخگویی بین محلات آپارتمان نشین با هم و نیز ویلایی نشین با هم دیده نمی‌شود و جواب‌های مردم در محلات ویلایی نشین با هم دیده نمی‌شود و جواب‌های مردم در محلات ویلایی نشین و همین‌طور آپارتمان نشین تقریباً به هم شبیه بوده است. برای اثبات فرضیه پژوهش می‌توان به آزمون همبستگی پیرسون که در **جدول ۱۲** آمده است نیز اشاره کرد. بعد از تحلیل داده‌ها از روش همبستگی به دست می‌آید. در پژوهش‌های همبستگی پس از بازشناسی وجود همبستگی و معین سازی جهت آن، می‌توان مقدار و ضریب همبستگی را محاسبه کرد. ضریب همبستگی دارای دامنه دگرگونی از +۱ تا ۱ است، به این معنی که اگر همبستگی وجود نداشته باشد، ضریب همبستگی محاسبه شده، صفر است و از عدم همبستگی بین دو متغیر خبر می‌دهد. اگر ضریب همبستگی بین صفر تا +۱ باشد، بیان می‌کند که جهت مثبت و تغییرات متغیرها همسو هستند. هر چه مقدار آن به صفر نزدیک‌تر باشد همبستگی مثبت ضعیف‌تر و هر چه به سمت +۱ گرایش پیدا کند، همبستگی مثبت شدیدتر خواهد بود. اگر ضریب همبستگی بین صفر تا ۱ باشد، بیان می‌کند که جهت همبستگی منفی بوده و تغییرات متغیرها همسو نیستند. هر

تصادفی بودن نتیجه زیاد است و رابطه یا تفاوت متغیرها معنی‌دار نیست. بدین سبب با توجه به سطح معنی‌داری پژوهش که در جدول ۰/۰۰۱ می‌باشد می‌توان چنین استنباط کرد که یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه در محلات مختلف دارای تفاوت معنی‌داری است و ساکنین در محلات مختلف، پاسخ‌های متفاوت به پرسش‌های مطرح شده، داده‌اند. بدین معنا که بین محله‌های ویلایی (نیوسایت، شهرک نفت) و آپارتمانی (زیتون کارمندی و کیانپارس) تفاوت معناداری وجود دارد. (**جدول ۱۱**)

در **جدول ۱۲** نیز به ضریب تفاوت معنادار بین محلات مختلف مورد پژوهش، اشاره شده است که ستون سوم از جدول، تفاوت بین میانگین پاسخ‌های هر محله را به صورت دو به دو با هم مقایسه می‌کند و محلاتی که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین میانگین پاسخ‌نامه‌ها در آن‌ها وجود دارد با ستاره مشخص شده است. در ستون پنجم نیز ضریب معنی‌داری بین محلات به صورت دو به دو مقایسه شده است و در هر جفت محله ای که این عدد کمتر از ۰/۰۵ باشد می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری بین آن‌ها در پاسخگویی به پرسش‌ها وجود دارد. اما چنانچه این سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ بزرگ‌تر باشد، تفاوت میانگین بین ۲ محله مورد نظر معنادار نیست. بدین معنا که محله‌های ویلایی (شهرک نفت، نیوسایت) یا محله‌های آپارتمانی (زیتون کارمندی، کیانپارس) که رو به روی یکدیگر (محله آپارتمانی با محله آپارتمانی، محله ویلایی با محله ویلایی) قرار می‌گیرند، سطح معناداری آن‌ها با یکدیگر بزرگ‌تر ۰/۰۵ می‌باشد، که نشان دهنده آن است تفاوت میانگین بین محله مورد نظر معنادار نیست و همانطور که محله ویلایی (نیوسایت، شهرک نفت) و آپارتمانی (زیتون کارمندی، کیانپارس) رو به روی یکدیگر (محله آپارتمانی با محله ویلایی) قرار می‌گیرند، سطح معناداری آن‌ها با یکدیگر کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، که نشان

جدول ۱۰. ضریب آلفای کرونباخ
Table 10. Cronbach's alpha coefficient

Cronbach's Alfa	N
0/751	10

جدول ۱۱. فرض آزمون میانگین‌ها
Table 11. Assumption of means test

تحلیل واریانس					
	Sum of squares	df	Mean square	F	Sig
Between Groups	۶۹/۲۹۳	۳	۲۳/۰۹۸	۹۰/۶۵۹	۰/۰۰۱
Within Groups	۹۹/۳۶۳	۳۹۰	۰/۲۵۵		
Total	۱۶۸/۶۵۶	۳۹۳			

جدول ۱۲. ضریب تفاوت معنی‌دار تعاملات چهره به چهره در محلات مختلف
Table 12. Significant difference coefficient of facetoiface interactions in different localities

مقایسه‌های چندگانه						
محله (I)	محله (J)	Mean Difference (IJ)	Std. Error	sig	95% Confidence Interval	
					Lower Bound	Upper Bound
شهرک نفت	نیوسایت	۰/۰۶۶۲۴	۰/۰۷۲۲۶	۰/۳۶۰	۰/۲۰۸۳	۰/۰۷۵۸
	زیتونکارمندی	۰/۸۵۵۴۳*	۰/۰۷۲۵۷	۰/۰۰۰	۰/۹۹۸۱	۰/۷۱۲۸
	کیانپارس	۰/۸۹۴۱۴*	۰/۰۷۵۲۵	۰/۰۰۰	۱/۰۴۲۱	۰/۷۴۶۲
نیوسایت	شهرک نفت	۰/۰۶۶۲۴	۰/۰۷۲۲۶	۰/۳۶۰	۰/۰۷۵۸	۰/۲۰۸۳
	زیتون کارمندی	۰/۷۸۹۱۹*	۰/۰۶۹۰۱	۰/۰۰۰	۰/۹۲۴۹	۰/۶۵۳۵
	کیانپارس	۰/۸۲۷۹۱*	۰/۰۷۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۹۶۹۱	۰/۶۸۶۷
زیتونکارمندی	شهرک نفت	۰/۸۵۵۴۳*	۰/۰۷۲۵۷	۰/۰۰۰	۰/۷۱۲۸	۰/۹۹۸۱
	نیوسایت	۰/۷۸۹۱۹*	۰/۰۶۹۰۱	۰/۰۰۰	۰/۶۵۳۵	۰/۹۲۴۹
	کیانپارس	۰/۰۳۸۷۱	۰/۰۷۲۱۳	۰/۵۹۲	۰/۱۸۰۵	۰/۱۰۳۱
کیانپارس	شهرک نفت	۰/۸۹۴۱۴*	۰/۰۷۵۲۵	۰/۰۰۰	۰/۷۴۶۲	۱/۰۴۲۱
	نیوسایت	۰/۸۲۷۹۱*	۰/۰۷۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۶۸۶۷	۰/۹۶۹۱
	زیتونکارمندی	۰/۰۳۸۷۱	۰/۰۷۲۱۳	۰/۵۹۲	۰/۱۰۳۱	۰/۱۸۰۵

جدول ۱۳. آزمون ضریب پیرسون
Table 13. Pearson coefficient test

		تعاملات چهره به چهره	محله
تعاملات چهره به چهره	Pearson correlation	۱	۰/۵۸۶**
	Sig(2tailed)		۰/۰۰۱
	N	۳۹۴	۳۹۴
محله	Pearson correlation	۵۸۶/۰**	۱
	Sig(2tailed)	۰/۰۰۱	
	N	۳۹۴	۳۹۴

برعکس در مناطق آپارتمانی (زیتون کارمندی، کیانپارس) رابطه چهره به چهره کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

امروزه محله‌های شهری به عنوان مکان‌هایی که اکثر مردم در آن زندگی می‌کنند، تأثیر بسزایی بر رفتار انسان دارند. تغییرات قابل توجهی در فضای زندگی مردم در دهه‌های اخیر تجربه شده است. مطالعات نشان می‌دهد که الوی شهری تأثیر قابل توجهی بر روابط همسایگی، کمک‌رسانی و پیوندهای اجتماعی دارد. بی‌شک تحول روز افزون در زندگی شهری و شهرنشینی، روابط همسایگی را تحت

چه مقدار عددی به صفر گرایش کند، همبستگی منفی ضعیف‌تر و هر چه به سمت ۱ گرایش پیدا کند، همبستگی منفی شدیدتر خواهد بود (حافظنیا، ۱۴۰۱: ۷۹). پس با توجه به نتایج بدست آمده (جدول ۱۳) می‌توان گفت با اطمینان ۹۹٪ و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ بین فرم محله (متغیر مستقل) و رابطه چهره به چهره (متغیر وابسته) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر چون sig بین دو متغیر، کوچک‌تر از ۰/۰۱ است می‌توان گفت بین دو متغیر (وابسته و مستقل) رابطه وجود دارد. از طرفی شدت رابطه (Pearson correlation) برابر ۰/۵۸۶ و به صورت مستقیم (مثبت) می‌باشد. در محله‌های ویلایی (نیوسایت، شهرک نفت) رابطه چهره به چهره افزایش می‌یابد و

منفی بر روابط اجتماعی و فضاهای باز محله‌های شهری داشته باشد. این تغییر باعث کاهش فضاهای عمومی و خدماتی محله می‌شود که ممکن است منجر به افزایش مشکلات اجتماعی شود. علاوه بر این، تبدیل خانه‌های ویلایی به آپارتمان‌ها، باعث کاهش کیفیت زندگی و استفاده از فضاهای خصوصی می‌شود و روابط اجتماعی در محله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، لازم است قوانین و اصلاحاتی در سازمان‌دهی فضای محله‌ها اجرا شود تا این مشکلات اجتماعی جلوگیری شوند. شهر اهواز در منطقه جنوب غربی ایران و در اقلیم گرم و نیمه مرطوب قرار دارد. برای بهبود تعاملات چهره به چهره در محله‌های شهر اهواز، ایجاد فضاهای عمومی مناسب با توجه به اقلیم شهر است که در تطبیق یافته‌های علمی و نظری و نتایج پژوهش حاضر، جهت نیل به بهسازی محله‌ها و روابط چهره به چهره همسایگی در شهر اهواز راهکارهای پیشنهادی در ذیل ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که این راهکارهای پیشنهادی می‌تواند تعمیم‌پذیر برای سایر شهرها نیز باشد.

برای بهبود تعاملات چهره به چهره در شهر اهواز، ایجاد فضاهای عمومی با کیفیت و مناسب است. این فضاها می‌توانند شامل پارک‌ها، میدان‌ها، محل‌های تفریحی و فضای سبز باشند. افراد در این فضاها می‌توانند با یکدیگر صحبت کنند، بازی کنند و زمان خود را باهم به اشتراک بگذارند. این فضاها باید به صورت مناسب طراحی شده و دارای امکانات مختلفی مانند نشیمن‌گاه‌ها، بنچ‌ها، مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه سواری باشند. همچنین، ایجاد فضاهای باز برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری نیز می‌تواند به تعاملات چهره به چهره کمک کند. در مناطق گرمسیری مانند اهواز، ایجاد سایه برای محافظت از افراد در برابر آفتاب مهم است. بنابراین در فضاهای عمومی باید درختان و سایه‌دارها به طور مناسب کاشته شوند تا افراد بتوانند در آنجا به راحتی تعامل کنند.

ضرورت توسعه و احیای بازارهای محلی، جایگاه مهمی در زندگی روزمره افراد دارند و مکان‌های مناسبی برای تعاملات چهره به چهره هستند. ایجاد فضاهای باز در بازارها، می‌تواند به تعاملات افراد کمک کند و فرصت‌های بیشتری برای ایجاد روابط دوستانه و تجاری فراهم کند. در فصل تابستان شهر اهواز، دمای بسیار بالایی وجود دارد، بنابراین فضاهای عمومی باید دارای سیستم‌های سرمایشی مانند فن‌های آبی یا ایجاد آلاچیق‌ها با سقف‌های خنک‌کننده باشد و همچنین در فصل زمستان دما بسیار پایین است بنابراین فضاهای عمومی باید دارای سیستم‌های گرمایشی مانند گرمایش کف باشند تا افراد بتوانند در این فضاها به راحتی تعامل کنند.

قرار دادن امکانات عمومی مانند مسجد، مدرسه و بازار در نزدیکی

تأثیر قرار داده است. از نظر بسیاری از کارشناسان روابط و تعاملات اجتماعی می‌تواند جزء عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی باشد. آنچه در پیشینه تحقیق بررسی شد این است که طبق نظر کارشناسان ارتباطات و تعاملات اجتماعی بین ساکنین در شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی تأثیرگذار است. هدف از انجام این پژوهش جستن رابطه بین کالبد یا فرم محله و میزان تعاملات چهره به چهره در محله و پی پاسخ به این پرسش بوده است که چه پیوستگی بین الگوی مسکن در بافت‌های مسکونی محلات و روابط چهره به چهره همسایگان وجود دارد؟

با پرداختن به واکاوی و گدازش داده‌ها درباره‌ی متغیر وابسته پژوهش (تعاملات چهره به چهره همسایگان) می‌توان بیان کرد در محله‌های ویلایی نسبت به آپارتمانی، بین این دو متغیرها ناهم‌سویی معناداری وجود دارد و از نگرش آماری، پاسخ محله‌های ویلایی نشین به محله آپارتمان نشین ناهمگون است. به نحوی که در محله‌های ویلایی نشین، ساکنین محله با همسایگان خود روابط چهره به چهره بیشتری دارند. بنابراین بدین‌گونه برداشت می‌شود در محله‌های ویلایی، تعاملات همسایگی بیشتری در مقابل محله‌های آپارتمان نشین وجود دارد، که سبب این تعاملات اثرگذاری از نوع ساختار کالبدی بافت مسکونی است. هرچند با وجود امکاناتی که در محله‌های آپارتمان نشین مورد مطالعه در این پژوهش وجود دارد که به برقراری تعاملات اجتماعی کمک می‌کند (مانند فضای سبز، مرکز خرید) ولیکن این امکانات منتهی به برتری نسبی بافت‌های آپارتمانی در قیاس با بافت‌های ویلایی به لحاظ تعاملات چهره به چهره نشده است. بدان جهت می‌توان بیان کرد با نگرش به تجزیه و تحلیل داده‌ها، تعاملات چهره به چهره در محلات ویلایی نشین بیشتر از آپارتمان نشین است و ویلایی بودن محلات سبب می‌شود که همسایگان تعاملات چهره به چهره‌ی بهتری داشته و همدیگر را بیش‌تر بشناسند. این نتیجه با نتایج تحقیق داخل کشور مانند احمدشوشتری، محمدمنان رئیسی (۱۴۰۱) و سرعلی، شهرام پوردیپیمی (۱۴۰۰) و خارج کشور همانند هال وانسل (۲۰۱۹) مطابقت دارد. همانا در این پژوهش به دیده می‌رسد که تراکم ناخالص مسکونی در بافت‌های آپارتمانی در قیاس با محله‌های ویلایی بیشتر بوده است که از برهان‌های افزون‌تر بودن تعامل چهره به چهره در محله‌های ویلایی مورد مطالعه، وجود حریم‌های خصوصی و نیمه خصوصی بیشتر در محله‌های ویلایی نسبت به آپارتمان بوده است. این نتیجه با نتایج خارجی لیلینا کارواجل (۲۰۱۱) و نتایج داخلی کمال قره‌خانی و همکاران (۱۳۹۷) و کیمیا رویان و همکاران (۱۳۹۷) همسو است.

تغییر الگوی سکونت از خانه ویلایی به آپارتمانی می‌تواند تأثیرات

۳. ابراهیمی مجرد، مانا؛ مظفر، فرهنگ؛ حسینی، باقر؛ و صالح صدق پور، بهرام. (۱۴۰۰). رابطه پیوندهای اجتماعی و معنایی با احساس هویت مکانی در محله مسکونی، مورد مطالعاتی: محله سپه شهر قزوین. *نشریه پژوهش‌های روان‌شناسی/اجتماعی*. ۴۴، ۹۳۱۲۲.

۴. بهزاد زاده حقیقی، نیلوفر؛ و فنائی، ساناز. (۱۳۹۹). اصول طراحی واحد همسایگی سرزنده مبتنی بر رویکرد بایوفیلیک، نمونه موردی: محله شهرک آزمایشگاه، منطقه دو شهر تهران. *نشریه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری*. ۲، ۵۱۶۲.

۵. باقری، مهدیه؛ صدیقی اورعی، غلام‌رضا؛ فرزانه، احمد؛ و یوسفی، علی. (۱۴۰۱). تعامل اجتماعی همسایگی، مساله‌ای شهری. *نشریه مطالعات جامعه شناختی شهری*. ۴۲، ۱۳۳.

۶. ثقه‌السلامی، عمیدالاسلام؛ و امین‌زاده، بهناز. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی. *نشریه هویت شهری*. ۱۳، ۳۳۴۵.

۷. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۴۰۱). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی.

۸. حدیری، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). تحلیل میزان نمودپذیری معانی مختلف خانه در الگوهای آپارتمانی و مستقل حیاطدار، نمونه موردی: شهر شیراز. *نشریه دو فصلنامه اندیشه معماری*. ۹، ۱۳۵۱۴۹.

۹. دی.کی. چینگ، فرانسیس (۱۳۸۸). *معماری فرم فضا نظم*. (زهره فراگوزلو، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. تهران: انتشارات روزنه.

۱۱. ذوالفقارزاده، حسن؛ جعفری‌ها، رضا؛ و دل زنده، علی. (۱۳۹۸). الگوی پیشنهادی معماری محله اسلامی ایرانی بر مبنای مدل نگره‌های زندگی ساز حکمت اسلامی. *نشریه اندیشه معماری*. ۵، ۳۳۵۵.

۱۲. رازقی، نادر؛ شارع‌پور، محمود؛ و ابراهیمی گنابی، حسن. (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان روابط همسایگی، مطالعه موردی: شهروندان ساکن شهر بابل. *نشریه جامعه‌شناسی ایران*. ۳، ۴۹۷۷.

۱۳. رستگار خالد، امیر؛ آران دشتی آرانی، سمیه؛ و صادقی آرانی، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی و پیامدهای اصلی مرتبط با آن، مطالعه موردی: شهر آران و بیدگل، منطقه آران. *نشریه فصلنامه مطالعات توسعه/اجتماعی فرهنگی*. ۴، ۱۷۷۲۱۵.

۱۴. رئیس‌ی، محمد منان؛ و خلیفه شوشتری، احمد. (۱۴۰۱). تحلیل رابطه ساختار کالبدی بافت‌های مسکونی و تعاملات همسایگی، مورد مطالعاتی: رابطه الگوی مسکن و تعاملات چهره به چهره در محلات سمیه، باجک و فرهنگیان در شهر قم. *نشریه آرمان شهری*. ۴۰، ۱۱۷۱۲۷.

۱۵. رویان، کیمیا؛ و کهزادی سیف‌آباد، عمران. (۱۳۹۷). بازشناسی مفهوم

محل سکونت، ارتباطات را تسهیل می‌کند. این امکانات باعث می‌شود افراد به راحتی به همدیگر دسترسی داشته باشند و در نتیجه تعاملات بیشتری را تجربه کنند.

طراحی خیابان‌ها و کوچه‌ها نیز تأثیر زیادی در تعاملات چهره به چهره دارد. خیابان‌های گسترده و بزرگ، فرصت‌های بیشتری برای تعامل با همسایگان فراهم می‌کنند، درحالی‌که خیابان‌های باریک و کوچک ممکن است محدودیت‌هایی را در این تعاملات ایجاد کنند. ایجاد فضاهای شهری مناسب برای دیدار و گفتگو افراد نیز می‌تواند به بهبود تعاملات چهره به چهره کمک کند. ایجاد کافه، رستوران‌ها و فضاهای عمومی با محیط‌های دلنشین و صمیمی، مکان مناسبی برای دیدار و گفتگو افراد هستند.

کالبد محله تأثیر زیادی در احساس امنیت و همسایگی در جامعه دارد، محله‌هایی که فضاهای عمومی و امکانات اجتماعی دارند، افراد را به احساس امنیت و تعلق به جامعه تشویق می‌کنند.

با توجه به این پیشنهادها، می‌توان در کالبد بافت‌های مسکونی محله‌ها در شهر اهواز فضاهایی را ایجاد کرد که تعاملات همسایگی را تقویت کند و به تعاملات چهره به چهره و همبستگی در محله‌ها کمک کند.

۱- نقش نویسندگان

این پژوهش به عنوان فعالیت کلاسی مهندس ندا ارزانی بیرگانی در مقطع دکتری صورت گرفته است. که با راهنمایی جناب دکتر حامد حیاتی در سال ۱۴۰۲ به اتمام رسیده است.

۱- تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به طور کامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هر گونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دو گانه، پرهیز نموده‌اند و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

۱- فهرست مراجع

۱. ابراهیمی مجرد، مانا؛ و مظفر، فرهنگ. (۱۴۰۱). شناسایی ابعاد شکل‌گیری هویت مکانی در محله‌های مسکونی مبتنی بر دیدگاه متخصصان با کاربری تحلیل عامل. *دو فصلنامه اندیشه معماری*. ۱۴، ۱۴۱.

۲. امیرجانی، رحمت اله. (۱۳۹۲). *بررسی معماری منازل مسکونی شهرک نفت اهواز بر اساس رویکرد پاسخده‌ای*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران.

- همسایگی در بافت‌های مسکونی، نشریه علمی تخصصی معماری شناسی. ۵، ۱۹.
۱۶. سرعلی، رضا؛ و پوردیپیمی، شهرام. (۱۳۹۵). همسایگی و همسایه بودن. نشریه علمی پژوهشی صفا. ۱، ۵۲۴.
۱۷. سرعلی، رضا؛ و پوردیپیمی، شهرام. (۱۴۰۰). یک مدل نظری برای مطالعه روابط همسایگی در محیط‌های مسکونی. نشریه دو فصلنامه معماری ایرانی. ۲۰، ۲۳۹۲۵۸.
۱۸. سالاری پور، علی اکبر؛ رضانی، حمیدرضا؛ زالی، نادر؛ و صفای کارپور، مریم. (۱۳۹۷). بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان، مطالعه موردی: محله ساغریسان شهر رشت. نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۳۴، ۳۵۸۸.
۱۹. شوئنوتر، نوربرت. (۱۳۸۰). مسکن حومه و شهر. (شهرام پوردیپیمی، مترجم). تهران: انتشارات روزنه.
۲۰. عباسی هرفته، محسن؛ و صادقیان، علی. (۱۳۹۸). الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد، شاخص‌ها، ابزارهای معمارانه و اصول معماری همسایگی. نشریه علمی باغ نظر. ۸۰، ۱۶۵.
۲۱. قره‌خانی، کمال؛ دژدار، امید؛ و جلیلیان، سارا. (۱۳۹۷). بررسی نقش فضاهای تعاملات اجتماعی بر کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی، مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی سعیدیه، کاشانی، بوعلی و امام رضا در شهر همدان. نشریه هویت شهر. ۴۰، ۱۲۰۱۰۹.
۲۲. کریمی، منیره. (۱۳۹۳). طراحی واحد همسایگی با تاکید بر مسئله‌ی حریم و حیات اجتماعی در بافت قدیم شهرستان شاهرود. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود.
۲۳. گلابی، فاطمه؛ و زارع زاده اردشیر، لیلا. (۱۳۹۲). روابط همسایگی و احساس امنیت اجتماعی. فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی. ۱۲، ۱۹۳۶.
۲۴. لنگ جان. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه‌های معماری. (علیرضا عینی‌فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. میرکتولی، جعفر. (۱۳۹۴). تحلیل شکل‌گیری واحدهای همسایگی به عنوان محور تشکیل و توسعه شهرهای ترکمن‌نشین، مطالعه موردی: شهر آق‌قلا. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. ۲۰، ۱۱۶.
۲۶. مهدی‌زاده، میثم؛ دشتی، فرشاد؛ و علیشیری، سکینه. (۱۳۹۴). هم‌پیوستاری خانه و شهر، خان‌های ایرانی جزئی از نظام همسایگی و محله با تاکید بر ارزش‌های شهر اسلامی. نشریه مدیریت شهری. ۴۳، ۳۴۳۳۶۶.
۲۷. ماجدی، حمید؛ موسی‌ئی جو، اکبر؛ و ذبیحی، حسین. (۱۴۰۰). نقش مولفه‌های کالبدی در حس مکان مجموعه‌های مسکونی، مقایسه دو مجموعه مسکونی کوی استادان و شهرک نیوسایت اهواز. نشریه مطالعات محیطی هفت حصار. ۳۶، ۱۹۳۴.
۲۸. مجتهدزاده، روح‌الله؛ و نام‌آور، زهرا. (۱۳۹۱). در جستجوی هویت شهری اهواز. انتشارات مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی.
- 29bernardo, F., & manuel palma oliveria, J. (2016). urban neighborhood and intergroup relations: the importance of place identity. *journal of environmental psychology*. 45, 239251.
- 30carvajal, L. (2011). *exploring the relationship between neighborhood social interactions and urban sprawl in U.S metropolitan regions*. master of regional planning, University of Massachusetts Amherst.
- 31davies, W., & Herbert, D. (1993) *communities within cities: an urban social geography*. London: Belhaven.
- 32farkisch, H.(2020). assessment of social interaction in sense of place: rethinking the design of neighborhood center in urban space, case study: boshrooyeh city. *Creative city design* .3, 110121.
- 33ferguson, B., & ferguson, D. (2016). architectural and personal inflaenced on neighboring behaviors. *frontiers of architectural research* .5, 194201.
- 34hele, O., & Caglar, M. (2019). *The Effect of Built Environment on Neighborhood Relations in the Context of Social Interaction*. Dissertation for Ph.D.
- 35lenzi, M., & Vieno, A. Pastore, M. Santinello, M. (2013). neighborhood social connectedness and adolescent civic engagement: an integrative model. *Journal of environmental psychology*. 34, 4554.
- 36 Manuela mendes, M., Jao, C., & Sa, T.(2017). *architecture and the social sciences (inter and multidisciplinary approaches between society and space)*. Berlin: springer international publishing.
- 37william pell, C.(2012). *neighborhood social interaction in public housing relocation*. Dissertation for Ph.D, Georgia State University.

Exploring the Impact of the Structural Pattern of Residential Areas (Villas and Apartments) on (Face to Face) Neighborly Interactions in Neighborhoods (Case Study: Naft Sector, New Site, Zaytoun Karmandin and Kianpars in Ahvaz City)

*Hamed Hayati**, Assistant Professor, Department of Architecture, Technical and Engineering Faculty, Qom University, Qom, Iran.

Neda Arzani Birgani, Ph.D. Candidate in Architecture, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Abstract

Human beings are inherently social creatures, driven by the innate desire to engage with a diverse range of individuals. Human beings are inherently social creatures, driven by the innate desire to engage with a diverse range of individuals and actively participate within their communities. Neighborhoods and neighborhood units are a reflection of this approach. These neighborhood units, established with the objective of fostering a sense of community and enhancing social connections, assume a paramount significance in cultivating and refining this indispensable attribute. The neighborhood and the interaction of neighbors in the neighborhood have been one of the most fundamental concepts in architecture and urban planning for a long time. The lack of neighborhood interactions and the change in lifestyle and behavioral patterns of residents in cities have established the basic structure of this research. This research aims to examine the relationship between the physical structure or framework of the neighborhood and the amount of face-to-face interactions in the neighborhood. The existing research is descriptive-analytical and quantitative-qualitative in terms of its applied purpose, nature, and data collection methods, and a correlational research method has been used. Data collection was done through library research and field methods (questionnaires). According to Morgan's table, questionnaires were distributed among 394 people in four neighborhoods of Ahvaz city (Shahrek Naft, Newsite, Zeitoun Karmanani, Kianpars), which were presented in closed form and Likert scale. The data collected for this study was analyzed using SPSS software. To measure the adequacy of the sample, KMO and Bartlett tests were employed. The findings were also examined using statistical methods such as Cronbach's alpha correlation coefficient, variance test, and Pearson test. The results of the variance test indicate a significance level of 0.001, suggesting a significant difference between the questionnaire findings in villa neighborhoods (New Site, Shahrak Naft) and apartment neighborhoods (Zeitoun Karmandi and Kianpars). A Pearson correlation coefficient of 0.586 indicates that there is a direct relationship between two variables. Specifically, the face-to-face relationships increase in villa neighborhoods, while they decrease in apartment areas.

Keywords: Neighborhoods, residential contexts, neighborhood relations, Ahvaz metropolis

* Corresponding Author Email: hamed.hayaty@yahoo.com